

مراسم اربعین و الگوی مواجهه با بحران‌های اجتماعی



مهدی طرفی

تحلیل نقش شبکه‌های مردمی در اربعین

سازماندهی اربعین بر پایه سه اصل استوار است که در مدیریت بحران نیز حیاتی هستند:

توزیع‌یافتگی خدمات: خدمات در اربعین برخلاف الگوهای دولتی، متمرکز نیست؛ بلکه در سطح جغرافیایی مسیر (از نجف تا کربلا) توزیع شده است. این امر مانع از ایجاد گلوگاه‌های بحرانی می‌شود.

انعطاف‌پذیری و چابکی: شبکه‌های مردمی در اربعین فارغ از بوروکراسی اداری، به‌سرعت خود را با شرایط متغیر (آب‌وهوا، ازدحام جمعیت، کمبود منابع) تطبیق می‌دهند. **هویت‌بخشی و مسئولیت‌پذیری:** در این شبکه، «خدمت» یک ارزش اخلاقی است، نه یک وظیفه اداری؛ لذا نیروهای مردمی با انگیزه‌ای فراتر از دستمزد در میدان حضور دارند.

درس‌آموخته‌هایی برای حل بحران‌های اجتماعی

برای انتقال الگوی اربعین به سایر عرصه‌های بحران اجتماعی، محورهای زیر قابل پیشنهاد است:

شبکه‌سازی محله‌محور: همان‌گونه که موکب‌ها هسته‌های اصلی خدمت هستند، می‌توان در محلات شهرها، هسته‌های دوام و امداد مردمی ایجاد کرد. **پلتفرم‌های اعتماد:** استفاده از ظرفیت مساجد و هیئت‌ها برای شناسایی نیازهای واقعی مردم در بحران‌های معیشتی.

سیاست‌گذاری تسهیل‌گرانه: دولت به‌جای «تصدی‌گری» در مدیریت بحران، باید «تسهیل‌گر» باشد و زیرساخت‌های لازم (مانند مجوزها، پشتیبانی لجستیکی و امنیت) را برای شبکه‌های مردمی فراهم کند.

اربعین یک مدل موفق از «حکمرانی مشارکتی» است. تجربه این رویداد نشان می‌دهد که هرگاه اعتماد عمومی حفظ شود، مردم قادرند بخش بزرگی از بحران‌های خود را با تکیه بر همبستگی جمعی حل کنند. برای حل بحران‌های اجتماعی در کشور، ضروری است که از مدل «ساختار بالا به پایین» به سمت «شبکه‌های مردمی خودتنظیم» حرکت کنیم.

این گذار نه تنها زمینه‌های اقتصادی مدیریت بحران را کاهش می‌دهد، بلکه با تقویت همبستگی ملی، به تاب‌آوری اجتماعی در برابر تکانه‌های مختلف نیز کمک خواهد کرد.

مواجهه با بحران‌های اجتماعی در جوامع مدرن، همواره یکی از چالش‌های اصلی دولت‌ها بوده است. رویکردهای متمرکز و دولتی به مدیریت بحران، اغلب با ضعف در سرعت عمل، عدم شناخت دقیق نیازهای محلی و فرسایش منابع مواجه هستند. در این میان، «مشارکت مردمی» و «شبکه‌سازی‌های داوطلبانه» به عنوان راهکارهای جایگزین مطرح شده‌اند. اربعین حسینی، به عنوان یک کنش جمعی عظیم، بستری برای نمایش قدرت سازماندهی مردمی است که فراتر از مناسک آیینی، حاوی درس‌آموخته‌های مدیریتی برای جوامع در مواجهه با شرایط اضطراری است.

سرمایه اجتماعی و شبکه‌های داوطلبانه

سرمایه اجتماعی بر پایه شبکه‌های ارتباطی، اعتماد و هنجارهای متقابل بنا شده است. در الگوی اربعین، پیوند میان زائر و خادم بر اساس «ایمان مشترک» و «اعتماد متقابل» شکل می‌گیرد که هزینه نظارت رسمی را به حداقل می‌رساند.

مدیریت بحران مبتنی بر جامعه (CBDRM)

مدیریت بحران مبتنی بر جامعه، رویکردی است که در آن مردم بومی نه به عنوان «هدف امداد»، بلکه به عنوان «کارگزار اصلی» مشارکت دارند.

مدل موکب‌داری اربعین، دقیقاً مصداق این رویکرد است؛ جایی که تقسیم کار میان نهادهای مردمی، پاسخگویی به نیازهای اساسی جمعیت میلیونی را ممکن می‌سازد.

نشریه الکترونیکی موکب فرهنگی رسانه‌ای عطش

دوره هفتم / شماره سوم / مرداد ۱۴۰۵ / صفر ۱۴۴۸ / کربلای معلی

atash.media

از پیاده‌روی

تا خدمت در موکب / ۳

از تردید تا دلدادگی

در مسیر اربعین / ۴

یازده سال

هم‌قدم با کاروان عشق / ۴

اربعین اعلامیه‌ای

رسمی برای آغاز عصر

عدالت / ۳

تبرکی به اندازه یک دانه قند / ۲

موکبی که خانواده شهدا را دور هم جمع کرد / ۲



عطش همراه

موبکی که خانواده شهدا را دور هم جمع کرد



سید محمد مشکوة الممالک
میثم عباسی، فرزند شهید محمدتقی عباسی و از خادمان باسابقه اربعین، سال‌هاست به همراه اعضای خانواده و بستگان خود در مرز مهران به زائران امام حسین(ع) خدمت می‌کند. او می‌گوید این موبک که با یک پذیرایی ساده آغاز شد، امروز به محفلی برای گردهمایی خانواده‌های شهدا و خدمت خالصانه به زائران تبدیل شده است.

خدمت خانوادگی به زائران امام حسین(ع)
من میثم عباسی، فرزند شهید محمدتقی عباسی از رزمندگان بسیجی دوران دفاع مقدس هستم. از حدود سال ۱۳۹۰ توفیق پیدا کردیم در مسیر خدمت به زائران امام حسین(ع) قدم برداریم. چون اصالتاً اهل مهران هستیم، از همان روزهای نخست که مرزها برای تردد زائران باز شد، به‌صورت خانوادگی تصمیم

گرفتیم موبکی هرچند کوچک برپا کنیم.

کارمان را با پذیرایی ساده و در تعداد محدود آغاز کردیم، اما به لطف امام حسین(ع)، امروز نزدیک به ۵۰ خانواده از بستگان و خانواده‌های معظم شهدا حدود ۲۰ روز در کنار هم جمع می‌شوند و هر کس به اندازه توان خود در خدمت‌رسانی سهیم است. کودکان، جوانان، مادران و پدران، همه در این موبک نقش دارند و همین همدلی، بزرگ‌ترین سرمایه ماست.

این موبک فقط محل پذیرایی از زائران نیست؛ باعث شده اعضای خانواده و اقوامی که در شهرها و استان‌های مختلف زندگی می‌کنند، هر سال در ایام اربعین دور هم جمع شوند و در کنار خدمت به زائران، پیوندهای خانوادگی خود را نیز محکم‌تر کنند. به برکت امام حسین(ع) و شهدا، این توفیق نصیب ما شده و تا چند روز پس از اربعین نیز خدمت‌رسانی به زائران ادامه دارد.

برکت حضور شهید در زندگی

من تنها ۲۱ روز داشتم که پدرم به‌صورت داوطلبانه راهی جبهه شد و در منطقه شاخ‌شمیران کردستان به شهادت رسید. قسمت نشد ایشان را از نزدیک ببینم، اما سال‌هاست از دوستان، هم‌زمان و بستگان، خاطرات فراوانی از اخلاق، اخلاص و کرامات او شنیده‌ام.

یکی از خاطراتی که هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم، مربوط به یکی از همکارانم است که با مشکلی جدی روبه‌رو

شده بود و راه‌حلی برای آن پیدا نمی‌کرد. به او پیشنهاد کردم به مزار پدرم بروم و با توسل به شهدا، حاجتش را از خدا بخواهم. حدود یک ساعت بعد، در حالی که به‌شدت متأثر بود، با من تماس گرفت و گفت هنوز از کنار مزار برنگشته بود که همان تماسی را که مدت‌ها انتظارش را می‌کشید دریافت کرده و مشکلیش برطرف شده است. از آن روز تاکنون، او یکی از خادمان ثابت موبک ماست و هر سال با عشق به زائران خدمت می‌کند.

از این دست خاطرات و توسل‌ها درباره شهدا در میان دوستان و آشنایان کم نیست و ما بارها آثار و برکات آن را در زندگی خود دیده‌ایم.

ادامه راه خدمت

شهادت رهبر شهید، همه ما را داغدار و اندوهگین کرد. در روزهایی که شرایط منطقه و فضای مرزی نگرانی‌هایی ایجاد کرده بود، حتی درباره برپایی موبک تردید داشتیم، اما پس از شنیدن آخرین پیام آقا سید مجتبی که بر برگزاری پرشور اربعین تأکید داشتند، بلافاصله جلسه‌ای برگزار کردیم و تصمیم گرفتیم موبک را با تمام توان برپا نگه داریم.

رهبر شهیدمان به شهادت رسید، اما راهی که پیش روی ما ترسیم کرد، روشن و ماندگار است. ما خود را موظف می‌دانیم با حفظ وحدت و روحیه خدمت، این مسیر را ادامه دهیم و تا آخرین روز حضور زائران، با همه توان در خدمت عاشقان حضرت سیدالشهدا(ع) باشیم.

عطش مسیر

تبرکی به اندازه یک دانه قند

مانده، مربوط به مردی از استان مازندران است. او در موبک چای نوشید و بعد از من خواست برای شفای همسر بیمارارش دعا کنم. می‌گفت می‌خواهد چیزی را به عنوان تبرک با خود ببرد.

سپس تنها یک دانه بسیار کوچک قند، به اندازه یک دانه عدس، برداشت و داخل پلاستیکی گذاشت تا با خود ببرد و به نیت شفا از آن استفاده کند. وقتی این صحنه را دیدم، به‌شدت متقلب شدم و به او گفتم چند دانه دیگر هم بردار، اما با لبخند گفت: «نه، همین یکی کافی است.»

همان لحظه اشک در چشمانم جمع شد. ایمان و اعتقادی که در دل آن زائر موج می‌زد، برایم درس بزرگی بود. از آن روز، هر وقت به برکت مسیر اربعین و کرامت امام حسین(ع) فکر می‌کنم، تصویر همان دانه کوچک قند و امید بزرگ آن مرد در ذهنم زنده می‌شود؛ خاطره‌ای که هیچ‌گاه فراموشش نخواهم کرد.



برکت یک دانه قند

یکی از خاطراتی که همیشه در ذهنم

احساس می‌کنم همه این زحمته‌ها ارزشش را دارد.

پاسمینی بلوری / یدالله عباسی، خادم موبک شهید محمدتقی عباسی از شهرستان مهران، پنج سال است که افتخار خدمت به زائران حضرت سیدالشهدا(ع) را دارد. او می‌گوید در این سال‌ها خاطرات فراوانی از اخلاص و ارادت زائران دیده است، اما یک اتفاق ساده، بیش از هر خاطره دیگری در ذهنش ماندگار شده است.

خدمت در مسیر عاشقی

اهل شهرستان مهران هستم و حدود پنج سال است که در موبک شهید محمدتقی عباسی به زائران امام حسین(ع) خدمت می‌کنم. در این سال‌ها خاطرات زیادی از حضور عاشقان حضرت سیدالشهدا(ع) در ذهنم ثبت شده است، اما برخی لحظه‌ها هیچ‌گاه از خاطرم پاک نمی‌شود.

خدمت در این مسیر، هر روز درس تازه‌ای از عشق، ایمان و اخلاص به انسان می‌دهد. وقتی می‌بینم زائران با چه ارادتی قدم در این راه می‌گذارند، خستگی از تنم بیرون می‌رود و



عشنگاه

از پیاده روی تا خدمت در موکب



محبتی که مرز نمی‌شناسد

مردم عراق، به‌ویژه نسبت به زائران ایرانی، محبت و مهمان‌نوازی کم‌نظیری دارند. گاهی احساس می‌کنم در ایام اربعین، از خود ما هم بیشتر برای پذیرایی از مهمانان تلاش می‌کنند.

خانواده‌ای عراقی را می‌شناسیم که هر سال به خانه‌شان می‌رویم. دختر این خانواده عروس یزد شده است. این آشنایی نیز از همان مهمان‌نوازی اربعین آغاز شد. چند کاروان ایرانی به خانه آن‌ها رفت‌وآمد داشتند و در نهایت، به خواست خدا، این رفت‌وآمدها به پیوندی خانوادگی انجامید. امروز این خانواده، نمونه‌ای زیبا از پیوند دو ملت ایران و عراق در سایه محبت امام حسین(ع) هستند.

در تمام این سال‌ها، از مردم عراق چیزی جز محبت، اخلاص و مهربانی ندیده‌ایم و تلاش می‌کنیم ما هم در برخورد با دیگران، همان روحیه خدمت و محبت را سرلوحه رفتار خود قرار دهیم. در پایان، تنها دعایی که همیشه بر زبان داریم این است: اللهم عجل لولیک الفرج.

بیست‌وپنجم ماه محرم خودمان را به موکب می‌رسانیم و تا حدود یک هفته مانده به اربعین، در کنار دیگر خادمان مشغول خدمت‌رسانی هستیم.

اربعین؛ جلوه‌ای از همبستگی

به اعتقاد من، مهم‌ترین پیام اربعین برای مردم دنیا، همبستگی و حرکت در مسیر امام حسین(ع) است. اگر بخواهم تنها یک واژه از مکتب حضرت سیدالشهدا(ع) را انتخاب کنم، آن واژه «آزادگی» است؛ مفهومی که همیشه در ذهن و زندگی من ماندگار شده است. سال‌های نخست، مانند دیگر زائران مسیر نجف تا کربلا را پیاده طی می‌کردم، اما امروز افتخار می‌کنم که در جایگاه خدمت‌گزار زائران باشم. این خدمت‌ها را ابتدا به روح رهبر شهید تقدیم می‌کنم و سپس برای اموات، بیماران و همه کسانی که از من التماس دعا خواسته‌اند، نیت می‌کنم.

از رهبر شهید، روحیه مقاومت و ایستادگی را آموختیم؛ اینکه در برابر سختی‌ها و دشمنان نباید به آسانی عقب‌نشینی کرد.

علی دستگاری / مجتبی خواجه، خادم موکب اهل یزد، سه سال است که به‌صورت مستمر در ایام اربعین به زائران حضرت سیدالشهدا(ع) خدمت می‌کند. او می‌گوید حضور در این مسیر ابتدا با دعوت یکی از دوستان آغاز شد، اما امروز خدمت در اربعین به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی‌اش تبدیل شده است.

دعوتی که به خدمت انجامید

اهل یزد هستیم. سه چهار سال قبل برای نخستین بار به اربعین آمدم و حالا سه سال است که به‌صورت پیوسته در این مسیر حضور دارم. یکی از دوستانم که در اربعین موکب داشت، باعث شد به این سفر بپیایم. خودم هم همیشه علاقه‌مند بودم، اما فرصت و شرایطش پیش نیامده بود. یک روز در جمع دوستان گفت قصد دارد به اربعین برود. به او گفتم: «ما را هم با خودت می‌بری؟» گفت: «چرا که نه.» همین شد که راهی این سفر شدم و امروز افتخار دارم در مسیر امام حسین(ع) به زائران خدمت کنم. در حال حاضر بیشتر برای خدمت در موکب می‌آیم. از

عشقه‌مسیر

اربعین اعلامیه‌ای رسمی برای آغاز عصر عدالت

در جهت شکستن حصارهای تبلیغاتی دشمن است.

حرکت ابدی

اشتباه است اگر رنگ و بوی اربعین را تنها به این چند روز محدود کنیم. اربعین نباید یک «مناسبت تقویمی» باشد، بلکه باید به یک سبک زندگی تبدیل شود.

از منظر تحلیل‌های عمیق‌تر، اربعین را می‌توان به عنوان یک «حرکت آخرازمایی» ترویج کرد؛ حرکتی که در آن انسان‌ها از تعلقات مادی گسسته و در مسیری واحد برای رسیدن به عدالت مطلق (که نماد آن امام حسین(ع) است) گام برمی‌دارند. در حقیقت، پیاده‌روی اربعین پیش‌درآمدی است بر آن اتحاد جهانی که در عصر ظهور منتظریم؛ عصری که در آن مرزهای ملی، تفاوت‌های نژادی و اختلافات مذهبی در برابر حقیقت عدالت و توحید رنگ می‌بازند.

اگر اربعین را به عنوان یک حرکت آخرازمایی و آمادگی برای آن روز بزرگ ترویج کنیم، معنای این سفر از یک زیارت سنتی به یک «تمرین برای جامعه موعود» تغییر می‌کند. در این نگاه، هر قدم زائر، هر لقمه نانی که می‌زبان عراقی می‌دهد و هر اشکی که در مسیر ریخته می‌شود، در واقع بخشی از یک فرآیند پالایش روحی است تا انسان بتواند در نظام جهانی جدید، جایگاه خود را بیابد.

و دولتی است، اما پذیرایی عراقی‌ها از «چان و مال» و «عاطفه خالص» برمی‌خیزد. اینکه مردم عراق با بزرگواری و تواضع تمام، مشارکت‌های ایران را می‌پذیرند، نشان‌دهنده بزرگی روح آن‌هاست. ما باید به این حقیقت اذعان کنیم که در معادلات محبت، عراقی‌ها پیشرو بوده‌اند و هر اقدامی از سوی ما، تنها پاسخی کوچک به دریای بی‌کران مهمان‌نوازی آن‌هاست.

ضرورت بازنمایی جهانی

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اربعین، شکاف میان «واقعیت موجود» و «تصویر ارائه شده» در رسانه‌های جهانی است. جهان باید بداند که در قلب خاورمیانه، میلیون‌ها انسان بدون هیچ درگیری و با بیشترین میزان صلح و محبت در کنار هم حرکت می‌کنند. در اینجا نقش «رسانه‌ها» و به‌ویژه «انسان‌رسانه‌ها» (هر زائری که در فضای مجازی حضور دارد) حیاتی است. اربعین نباید تنها در دایره مخاطبان شیعی یا مسلمان باقی بماند. ما نیازمند رویکردی هستیم که این رویداد را به عنوان یک «مدل جایگزین برای صلح جهانی» معرفی کند. انعکاس این حجم از ایثار و محبت در رسانه‌های بین‌المللی، می‌تواند تصورات غلط درباره مردم عراق و ایران را بزداید و قدرت نرم جهان اسلام را به رخ بکشد. هر عکسی از لبخند یک میزبان عراقی و هر متنی درباره بخشندگی آن‌ها، گامی

شهید انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، لایه‌ای جدید از پیوند استراتژیک و عاطفی میان دو ملت را به نمایش گذاشت. این استقبال، اعلام رسمی همسویی قلبی و سیاسی مردم عراق با محور مقاومت و رهبری ایران بود.

وقتی مردم عراق با این شور و اشتیاق از پیکر رهبر ایران پذیرایی می‌کنند، در واقع بر اهمیت این رویداد به عنوان یک «اتحاد قدسی» می‌افزایند. این اتفاق، مسئولیت اخلاقی و انسانی ایرانی‌ها را دوچندان می‌کند. ما امروز نه تنها به عنوان زائرانی که از خدمات مردم عراق بهره‌مند شده‌ایم، بلکه به عنوان ملتی که رهبری‌اش با چنین احترامی در خاک عراق پذیرفته شده، مدیون این مردم هستیم. تقدیر و تشکر از مردم عراق یک تکلیف سنگین است تا این پیوند عاطفی به یک وفاداری ابدی تبدیل شود.

توازن بخشندگی

ایران همواره تلاش کرده است تا با ارسال امکانات، تجهیزات و خدمات به عراق، در برگزاری این مراسم بزرگ مشارکت کند. اما یک تحلیل کارشناسانه و صادقانه نشان می‌دهد که تمام این امکانات مادی، در برابر بخشندگی بی‌قید و شرط مردم عراق، بسیار اندک و ناچیز است. تفاوت در اینجاست که امکانات ارسالی اغلب در قالب ساختارهای سازمانی

میشم رشیدی مهر آبادی / پیاده‌روی اربعین اگر چه در ظاهر یک مراسم مذهبی یا جابجایی فیزیکی میلیون‌ها انسان از نجف به کربلا است؛ اما به یک پدیده اجتماعی-سیاسی و معنوی تبدیل شده است که مرزهای جغرافیایی و ملیتی را در هم می‌شکند. در این میان، محوریت این رویداد بر پایه مفهومی استوار است که در هیچ جای دیگر جهان به این شکل دیده نمی‌شود؛ «مهمان‌نوازی بی‌بدیل مردم عراق».

مهمان‌نوازی مردم عراق در جریان اربعین، از تعریف متداول «پذیرایی» فراتر رفته و به یک «سرمایه معنوی» تبدیل شده است. آنچه در مسیر نجف تا کربلا رخ می‌دهد، فورانی از محبت‌های قلبی است. مرد و زنی که تمام دارایی‌شان را برای پذیرایی از زائران هزینه می‌کنند و با لبخندی بر لب، خدمتی بی‌منت را ارائه می‌دهند، در واقع مفهوم «ایثار» را در عمل‌ترین شکل ممکن به نمایش می‌گذارند. این یگانگی در پذیرایی، پیامی صریح به جهان دارد: عشق به اهل‌بیت(ع) می‌تواند سخت‌ترین شرایط اقتصادی و اجتماعی را به محیطی از آرامش و بخشندگی تبدیل کند.

نمادین شدن پیوندها

امسال، رویداد اربعین با ابعادی عمیق‌تر و نمادین‌تر همراه شد. استقبال گرم و باشکوه مردم نجف و کربلا از پیکر رهبر

عطش‌یار

یازده سال هم قدم با کاروان عشق



به این سفر می‌آمدم و در تمام مسیر از خدا می‌خواستم روزی قسمت شود همراه خانواده‌ام باشم. امسال این آرزو برآورده شد و در کنار خانواده قدم برمی‌دارم. حس و حالی که این روزها تجربه می‌کنم، برایم وصف‌نشدنی است. در این سال‌ها دوستان خوبی پیدا کرده‌ام، در خانه‌های مردم عراق مهمان شده‌ام و خاطرات فراوانی ساخته‌ام، اما حضور خانواده، شیرین‌ترین هدیه این سفر است.

درس آزادی و مهمان‌نوازی

همه سختی‌های این مسیر را فقط به عشق امام حسین(ع) تحمل می‌کنیم. این راه، راه دین خدا و راه آزادی است و ما با هر قدم، عهد خود را با سیدالشهدا(ع) تازه می‌کنیم. از مردم عراق، بیش از هر چیز، مهمان‌نوازی و خلوص نیت را یاد گرفته‌ام. در تمام این سال‌ها چیزی جز محبت، احترام و خدمت بی‌منت از آنان ندیده‌ام.

تمام قدم‌هایم را برای تعجیل در ظهور حضرت ولی‌عصر(عج) و شفای همه بیماران نذر کرده‌ام. همچنین ثواب این مسیر را به روح رهبر شهید تقدیم می‌کنم و امیدوارم خداوند این هدیه ناچیز را از ما بپذیرد. جنگ‌ها و حوادث سال‌های اخیر برای من یک درس بزرگ داشت؛ اینکه دنیا ماندنی نیست و انسان باید همواره در کنار حق بایستد. آرزویم سلامتی خانواده‌ام، عزت مردم ایران و پیروزی اسلام است.

اگر بخواهم اربعین را برای مردم دیگر کشورها توصیف کنم، می‌گویم اینجا جلوه‌ای از عزتی است که خداوند به امام حسین(ع) عطا کرده است. روزی حضرت در کربلا با یاران اندکش ایستاد، اما امروز میلیون‌ها انسان از سراسر جهان عاشقانه نام او را فریاد می‌زنند.

بزرگ‌ترین درسی که از امام حسین(ع) گرفته‌ام این است که هیچ‌گاه در برابر ظلم سر خم نکنم، در کنار مظلوم بایستم و در مسیر حق، از سختی‌ها هراسی نداشته باشم.

علی عبدولی / مصطفی امیری، زائر اهل شهر کلونق از استان آذربایجان شرقی، نزدیک به یازده سال است که هر سال خود را به پیاده‌روی اربعین می‌رساند. او می‌گوید عشق به امام حسین(ع) و درک رنج‌های کاروان اهل بیت(ع) مهم‌ترین انگیزه‌اش برای حضور در این مسیر است و امسال برای نخستین بار این سفر را در کنار خانواده تجربه می‌کند.

به عشق راهی که زینب(س) پیمود

اهل شهر کلونق در آذربایجان شرقی هستم و حدود ده، یازده سال است که تقریباً هر سال در پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کنم. دلیل آمدنم فقط عشق به امام حسین(ع) است. ما این مسیر را می‌آییم تا اندکی از سختی‌هایی را که حضرت زینب(س) و حضرت رقیه(س) در این راه تحمل کردند، درک کنیم. آن بزرگواران این مسیر را با همه رنج‌ها پیمودند و ما هم با پای پیاده قدم برمی‌داریم تا ارادت خود را به اهل بیت(ع) نشان دهیم.

نگاه من به اربعین، ادامه دادن راه امام حسین(ع) است. حضرت برای حفظ دین خدا قیام کرد و ما هم تلاش می‌کنیم در همین مسیر حرکت کنیم و به اندازه توان خود، وفاداری‌مان را به این مکتب نشان دهیم.

از داغ یک همسفر

تا شیرینی حضور خانواده

در این سال‌ها خاطرات زیادی از اربعین دارم؛ هم تلخ و هم شیرین. تلخ‌ترین خاطره‌ام مربوط به سال گذشته است. هنگام بازگشت به مهران، یکی از همشهریانمان را در مسیر از دست دادیم. هر کاری کردیم، دیگر بازنگشت و آن اتفاق هنوز هم برایم دردناک است. امسال هم با رسیدن این روزها، یاد او در ذهنم زنده می‌شود.

اما امسال، بهترین خاطره زندگی‌ام در اربعین رقم خورد. سال‌های گذشته همیشه تنها

عطش‌یار

از تردید تا دلدادگی در مسیر اربعین



قرار داده‌اند، بعضی‌ها گفتند سفر نرو، اما گفتم فرقی نمی‌کند کجا باشم؛ باید به این مسیر بیایم. پیش از سفر هم هیچ ترسی نداشتم و با اطمینان قدم در این راه گذاشتم.

موبک‌های عراقی با همه وجود از زائران پذیرایی می‌کنند. محبت، اخلاص و زحمتی که برای خدمت به عاشقان امام حسین(ع) می‌کشند، حقیقتاً ستودنی است.

زندگی در سایه

محبت امام حسین(ع)

از زمانی که امام حسین(ع) را شناختم، زندگی‌ام دگرگون شد. بعد از ازدوایم، بیشتر وقت و توانم را صرف خدمت به حضرت کردم و از سال ۱۳۶۷ نیز توفیق خادمی امام حسین(ع) را داشتم. سال‌هاست در خانه‌مان مجلس هیئت برپا می‌کنیم و این را بزرگ‌ترین برکت زندگی خود می‌دانم.

دوست دارم قدم‌هایم را به همه شهدا، به‌ویژه شهید ابراهیم هادی تقدیم کنم. همیشه زندگی و اخلاص او برایم الهام‌بخش بوده است. همچنین این مسیر را به نیت رهبران شهیدمان قدم برمی‌دارم و از خدا می‌خواهم این هدیه ناچیز را به روح بلند آنان برساند؛ بزرگ‌مردانی که برای اسلام و مردم، رنج‌ها و مجاهدت‌های بسیاری را به جان خریدند.

حسین جعفری / مرضیه غفاری، زائر اهل تهران، برای دومین بار در پیاده‌روی اربعین حضور یافته است. او می‌گوید پس از نخستین تجربه، تصور می‌کرد دیگر به این سفر باز نخواهد گشت، اما با آغاز ایام اربعین، اشتیاق زیارت بار دیگر او را راهی مسیر عشق و ارادت به امام حسین(ع) کرد.

دعوتی که

از دل آغاز شد

دومین بار است که در پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کنم و از تهران به این سفر آمده‌ام. بار اول که به اربعین آمدم، با خودم گفتم دیگر به این مسیر باز نمی‌گردم، اما همین که ایام اربعین فرا رسید، دلم آرام و قرار نداشتم. احساس کردم این دعوت، لطف خود آقا امام حسین(ع) بود و دوباره راهی شدم.

همه زندگی من امام حسین(ع) است و اگر لازم باشد، جانم را هم در راه ایشان تقدیم می‌کنم. از همان نخستین قدمی که در این مسیر برداشتم، سرشار از شادی و آرامش شدم و تمام قدم‌هایم را به محضر حضرت ولی‌عصر(عج) تقدیم کردم.

اربعین؛

جلوه‌ای از عشق و ایستادگی

نسبت به دو سال قبل، جمعیت زائران بسیار بیشتر شده است. تا این عمود که آمده‌ام، چیزی جز زیبایی، محبت و همدلی ندیده‌ام. وقتی شنیدم شلمچه را هدف

مدیرمسئول: علی حیدری / سردبیر: رسول شادمانی
اعضای تحریریه: سید محمد مشکات الممالک، عفت فلاح
باتشکر از: یونس فتاحی، سید محمد میرزاجانی، مهدی لطفی،
نعیم برقی، یونس اسدی